

## فهرست

۱	.....	زندگینامه پل الوار
۱۵	.....	عشق و شعر و زندگی
۲۳	.....	یک روز خوب
۲۵	.....	صبح امروز
۲۶	.....	نور می آمیزد
۲۷	.....	دیده فروپشم تا نبینم هیچ
۲۸	.....	من تنها نیستم
۳۰	.....	برای خاطر ابرها تو را گفتم
۳۲	.....	هوای تازه
۳۴	.....	تنها
۳۶	.....	سپیدهدم
۳۸	.....	ما هر دو
۳۹	.....	یقین
۴۰	.....	دریابی
۴۲	.....	تو را دوست دارم
۴۴	.....	برای نمونه
۴۵	.....	جز عشق تو هیچ نمی خواهم
۴۷	.....	حتی آن دم که دور از همیم
۴۹	.....	زادروز
۵۱	.....	آنکه هرگز نمی میرد
۵۴	.....	حقیقت عربان
۵۵	.....	آن ناشناس پیکر محبوب من بود
۵۶	.....	دلداده
۵۸	.....	باره تن
۶۰	.....	مرا نمی توان شناخت
۶۲	.....	از شبی دیگر
۶۳	.....	زیستن
۶۵	.....	مرگ، عشق، زندگی
۷۰	.....	میان دیگر سایه ها
۷۲	.....	به زودی

## نهایی جهان هشت

۷۴	هدف شعر باید حقیقت کارآمد باشد
۷۷	سحر دیوان را محو می‌کند
۸۰	حکومت نظامی
۸۱	عدالت
۸۳	هفت چکامه عشق در رزم
۹۶	فروشنده‌گان گذشت
۹۸	روزهایی میان این روزها
۱۰۰	خواهران امید
۱۰۲	چیزهای زیادی هست
۱۰۴	به آنکه مردان رؤیایش را در سر می‌پرورانند
۱۰۸	آزادی
۱۱۶	سیمای صلح
۱۲۱	حجره زندانی
۱۲۲	زندگانی ما
۱۲۳	دوست؟ نه
۱۲۴	بی‌کینه
۱۲۶	آگهی
۱۲۸	گابریل پری
۱۳۱	اسپانیا
۱۳۳	ققنوس
۱۳۶	سرود نیروی عشق
۱۳۹	ترازوها
۱۴۱	لحظه‌های من
۱۴۲	صخره در آب
۱۴۳	جنایت مشکوک
۱۴۴	به هر چیز خو می‌کنیم
۱۴۵	به مرگ بی‌پایان
۱۴۷	گفتن همه چیز
۱۵۵	زیبا
۱۵۶	و یک لبخند
۱۵۷	کدامین
۱۵۸	آه!
۱۵۹	بهار
۱۶۱	زیبا و همانند
۱۶۲	دیروز را دوست می‌داشتم
۱۶۳	زیبایی، تو را بهر نیکختان آفریده‌اند

۱۶۴	نه‌چندان دگرگونه
۱۶۶	از آنجه با تو می‌گویم دگرگون نمی‌شوم
۱۶۷	کودکم رامی‌برم
۱۶۸	نخستین شعر نمایان
۱۷۱	در پس نمایی هولناک زاده شدم
۱۷۲	ساکن نادان
۱۷۴	من کجا بودم
۱۷۷	فصلها
۱۷۹	وفادر
۱۸۰	سرانجامِ یک هیولا
۱۸۱	بودن
۱۸۳	الگو
۱۸۵	هوای آزاد
۱۸۷	برای اینجا زیستن
۱۸۹	اینجا
۱۹۱	حلقهٔ صلح
۱۹۳	پنجمین شعر نمایان
۱۹۶	چشمان همیشه نابشان
۱۹۸	بی زمان
۲۰۳	جهان - تنهایی
۲۰۷	اراده روشن دیدن
۲۰۹	رانده شده
۲۱۱	جمعی سراپا سیاه که پس می‌روند
۲۱۲	قانون و وظیفهٔ زیستن
۲۱۵	برای اینجا زیستن
۲۱۷	بی‌تو
۲۱۹	مردن (۱)
۲۲۱	مردن (۲)
۲۲۳	سنگنبشته‌های گور
۲۲۹	کالش زندگی کنم
۲۳۰	مرگ
۲۳۱	یادداشتها
۲۳۳	گزیده گفتارهایی از پل الوار
۲۳۷	فهرست منابع

## زندگینامه پل الوار

- ۱۸۹۴ در ساعت یازده و نیم صبح روز ششم اکتبر، کلمان اوژن گرندل، حسابدار ۲۴ ساله با زان-ماری کوزن<sup>۱</sup>، خیاط ۱۹ ساله، در شهرداری اپینه سورین<sup>۲</sup> پیمان زناشویی می‌بندند.
- ۱۸۹۵ روز چهاردهم دسامبر، زان-ماری گرندل در بلوار ژولگد (سن‌دنی)<sup>۳</sup>، شماره ۴۶، پسری به دنیا می‌آورد که نامش را اوژن-امیل-پل<sup>۴</sup> می‌نهند.
- ۱۹۰۰ کلمان-اوژن گرندل از حرفه حسابداری دست می‌کشد و یک بنگاه معاملات املاک را در حومه شهر دایر می‌کند.
- ۱۹۰۳ اوژن-امیل-پل گرندل، پل الوار آینده، ابتدا در مدرسه سن-دنی و سپس در مدرسه اولنه سوبوآ<sup>۵</sup> به تحصیل می‌پردازد.
- ۱۹۰۸ خانواده گرندل در پاریس سکنا می‌گزینند. گرندل جوان در مدرسه خیابان کلینیانکور<sup>۶</sup> تحصیلاتش را ادامه می‌دهد و سال بعد با استفاده از کمک هزینه تحصیلی وارد مدرسه کلیر<sup>۷</sup> می‌شود.
- ۱۹۱۱ اوژن-امیل-پل به دلیل بیماری از ادامه تحصیل باز می‌ماند.
- ۱۹۱۲ دسامبر؛ وی در آسایشگاه مسلولین کلاوادل<sup>۸</sup> (سوئیس) بستری می‌شود. در آنجا با دختری روس به نام هلنا دیمیتری یونا دیاکوئوا<sup>۹</sup> ۱۰

۱. Clément-Eugène Grindel

۲. Jeanne-Marie Cousin

۳. Épinay-sur-Seine

۴. Jules-Guesde (Saint-Denis)

۵. Eugène-Émile-Paul

۶. Aulnay-Sous-Bois

۷. Clignancourt

۸. Colbert

۹. Clavadel

۱۰. Hélène Dimitrievna Diakonova

آشنا می شود و نام گالا<sup>۱</sup> را برا او می نهد.

پل و گالا تصمیم به ازدواج می گیرند.

۱۹۱۳ اول دسامبر: نخستین مجموعه اشعار الوار تحت عنوان اشعار نخستین<sup>۲</sup> به

نام پل - اوژن گرندل، با حمایت مالی مادرش منتشر می شود.

او در همان ماه، در نشریه آثار نو<sup>۳</sup>، دو قطعه شعر را با نامهای «زنان

مقدس»<sup>۴</sup> و «ورلن»<sup>۵</sup> را به چاپ می رساند.

۱۹۱۴ ژانویه: نشریه آتش<sup>۶</sup>، «دیوانه سخن می گوید»<sup>۷</sup> را از الوار منتشر

می کند و کمی بعد، نشریه آثار نو اشعار منتشر کوتاهی را تحت عنوان

«گفتگوهای بیهودگان»<sup>۸</sup> با مقدمه ای از گالا چاپ می کند.

فوریه: الوار که ظاهرآ شفا یافته، آسایشگاه مسلولین کلاولادل را ترک

می کند. گالا نیز به روسيه می رود.

اوت: آغاز جنگ جهانی اول. در همین ماه، نشریه آتش شعر

سه قطعه ای «دیوانه»<sup>۹</sup> را از پ. او. گرندل منتشر می کند.

دسامبر: الوار وارد ارتش می شود.

۱۹۱۵ وی ابتدا در هنگ ۲۱ توپخانه، و اندکی بعد، به عنوان پرستار ارتش

انجام وظیفه می کند.

۱۹۱۶ اوت: پل - اوژن گرندل به عنوان پرستار در بیمارستان شماره ۱۸

ارتش نزدیک خط مقدم خدمت می کند. وی ده قطعه شعر کوتاه را با

عنوان «وظیفه»<sup>۱۰</sup> در ۱۷ نسخه (به عبارتی در ۲۰ نسخه) تکثیر و در

میان نظامیان توزیع می کند و برای نخستین بار در زیر اشعارش نام

پل الوار را می نویسد. بدین ترتیب نام خانوادگی مادر بزرگش (مادر

مادرش) را جایگزین نام خانوادگی خود می کند.

سپتامبر: گالا به پاریس بازمی گردد.

هزاران مجروح جنگی به بیمارستان شماره ۱۸ ارتش منتقل

۱. Gala      ۲. Premiers poèmes      ۳. Les Œuvres nouvelles

۴. Les Saintes femmes      ۵. Verlaine      ۶. Le Feu      ۷. Le fou parle

۸. Dialogues des inutiles      ۹. Le Fou      ۱۰. Le Devoir

می شوند. درد و رنج آنان الوار را منقلب می کند. او نشریه کلاه سرخ<sup>۱</sup> بولوپاشا<sup>۲</sup> را (که چندی بعد تیرباران می شود) می خواند و به عقاید صلح جویانه او تأسی می جوید. اما با وجود چنین روحیه ای، از طریق سلسله مراتب تقاضا می کند که بار دیگر در رسته توپخانه خدمت کند.

۲۸ دسامبر: در نامه ای به بهترین دوستش، گونون<sup>۳</sup>، اعلام می کند که به هنگ ۹۵ توپخانه پیوسته است.

۱۹۱۷ ژانویه: به واحد خود در جبهه ملحق می شود.

۲۱ فوریه: با استفاده از یک مرخصی سه روزه، در پاریس با گالا پیوند زناشویی می بندد.

مارس: به دلیل برونشیت حاد به بیمارستان آمیین<sup>۴</sup> می رود.  
مه: در پی و خامت بیماری، به بیمارستان پاری-پلاز<sup>۵</sup> منتقل می شود.  
از آن پس دیگر به خط مقدم نمی رود، بلکه تنها در پشت جبهه خدمت می کند.

۳۱ ژوئیه: کتاب وظیفه و نگرانی<sup>۶</sup> اثر الوار منتشر می شود.

۱۹۱۸ ۱۱ مه: گالا دختری به دنیا می آورد و نامش راسیسیل<sup>۷</sup> می نهند.

ژوئیه: الوار اشعاری برای صلح<sup>۸</sup> را منتشر می کند و این علاقه ژان پلان<sup>۹</sup> را به آشنایی با شاعر برمی انگیزد.

۱۱ نوامبر: امضای پیمان صلح.

۱۹۲۰ فوریه: نخستین شماره نشریه ضرب المثل ها<sup>۱۰</sup> که الوار آن را اداره می کند منتشر می شود.

۲۶ مه: الوار در جشنواره دادا<sup>۱۱</sup> حضوری فعال دارد.

۱. *Le Bonnet rouge*    ۲. *Bolo Pacha*    ۳. *Gonon*    ۴. *Amiens*

۵. *Paris-Plage*    ۶. *Le Devoir et l'inquiétude*    ۷. *Cécile*

۸. *Poèmes pour la paix*    ۹. *Jean Paulhan*    ۱۰. *Proverbes*

۱۱. دادائیسم (dadaïsme) مکتب ادبی و هنری است که روز هشتم فوریه ۱۹۱۶ در کافه «تراس» شهر زوریخ در سوئیس بنیاد نهاده شد. این مکتب هرگونه اصول و قواعد متدالوی را نفی می کرد.

سپتامبر: نشریهٔ نو فرانسه<sup>۱</sup>، یازده هایکو از الوار را تحت عنوان «برای اینجا زیستن»<sup>۲</sup> به چاپ می‌رساند.

۱۵ فوریه: «نیازهای زندگی و پیامد رویاها»<sup>۳</sup>.

۱۸ مارس: مکرات<sup>۴</sup>، با تصاویری از ماکس ارنست.<sup>۵</sup>

۲۵ ژوئن: تیره‌بختی فنان‌پذیران<sup>۶</sup>، با همکاری ماکس ارنست.

۱۹۲۳ ژوئیه: آخرین شب‌نشینی دادا در تأثیر میشل<sup>۷</sup> پاریس. لویی آراگن<sup>۸</sup>، آندره بروتون<sup>۹</sup>، بزانمن پره<sup>۱۰</sup> و الوار نهضت دادائیسم را رها می‌کنند.

۱۹۲۴ مارس: الوار، دستخوش تناظرات، می‌اندیشد که «همه چیز را بزداید». در ۲۴ مارس، در مارسی به قصد سفر به دور دنیا سوار کشتی می‌شود. روز بعد، مردن از نمردن<sup>۱۱</sup> منتشر می‌شود. وی در آغاز مجموعه اظهار می‌دارد: «برای ساده کردن همه چیز، آخرین کتابم را به آندره بروتون اهدا می‌کنم».

اکتبر: گشایش «دفتر مطالعات سورئالیستی». بازگشت به پاریس.

۱۸ اکتبر: یک جسد<sup>۱۲</sup>، نخستین متن سورئالیستی گروهی، به امضای آراگن، بروتون، دلتی<sup>۱۳</sup>، دریو لا روشن<sup>۱۴</sup>، الوار و فیلیپ سوپو<sup>۱۵</sup> انتشار می‌یابد.

نوامبر: بروتون نخستین بیانیه سورئالیسم<sup>۱۶</sup> را منتشر می‌کند.

۱۹۲۵ ۲۷ ژانویه: بیست و شش سورئالیست، از جمله الوار، طی بیانیه‌ای اعلام می‌دارند که «سورئالیسم راهی است برای رهایی روان و هر چیز مشابه».

۱. *La Nouvelle Revue Française*      ۷. "Pour vivre ici"

۲. "Les Nécessités de la vie et les conséquences des rêves"      ۴. *Répétitions*

۵. Max Ernst      ۶. *Les Malheurs des immortels*      ۷. Michel

۸. Louis Aragon      ۹. André Breton      ۱۰. Benjamin Péret

۱۱. *Mourir de ne pas mourir*      ۱۲. *Un Cadavre*      ۱۳. Delteil

۱۴. Drieu La Rochelle      ۱۵. Philippe Soupault

۱۶. سورئالیسم یا فراواقع‌گرایی، جنبشی است ادبی و هنری که پس از جنگ جهانی اول پدید آمد و معتقد به تجسم آزادانه و صادقانه فرآورده‌های ذهن است، بی‌آنکه عقل و منطق، و عرف و آداب و رسوم تغییری در آن ایجاد کند. از نظر پیروان این مکتب، تنها رنج است که آگاهی می‌دهد و تنها نومیدی است که در اعماق گرداب درون، انسان را وامی دارد که خود را بالا بکشد و به شهد و اشراق نایل آید.

- ژانویه: ۱۵۲ ضرب المثل باب سلیقه روز<sup>۱</sup>، با همکاری بنژامن پره.
- ۱۲ ژوئن: ژاک پرور<sup>۲</sup> و ایوتانگی<sup>۳</sup> به سوررئالیست‌ها می‌پیوندند.
- ۲۷ مه: الوار به حزب کمونیست می‌پیوندد و با نشریه روشنی<sup>۴</sup> همکاری می‌کند.
- ۸ سپتامبر: پایتخت درد.<sup>۵</sup>
- ۱۲ دسامبر: زوایای پنهان زندگی یا هرم انسانی<sup>۶</sup>.
- ۱۹۲۷ نوامبر: کمابیش هر شب، سوررئالیست‌ها در خانه بروتون گرد هم می‌آیند.
- ۱۹۲۸ ژوئن: از ماه مارس، الوار در آسایشگاه مسلولین آروزا<sup>۷</sup> بستری می‌شود و سراسر زمستان را در آنجا می‌گذراند.
- ۱۹۲۹ ۱۹ مارس: عشق، شعر.<sup>۸</sup>
- ۱۹۳۰ ۲۰ آوریل: کندکردن کارها<sup>۹</sup>، با همکاری آندره بروتون و رنه شار.<sup>۱۰</sup>
- مه: الوار با نوش<sup>۱۱</sup> آشنا می‌شود. نام حقیقی وی ماریا بنز<sup>۱۲</sup> است.
- ۱۵ اکتبر: پایدار.<sup>۱۳</sup>
- ۲۴ نوامبر: آبستنی مقدس<sup>۱۴</sup> با همکاری آندره بروتون.
- ۱۵ دسامبر: الوار و گالا برای همیشه همدیگر را ترک می‌کنند.
- ۱۹۳۲ ۲۵ ژوئن: زندگی بی واسطه.<sup>۱۵</sup>
- ۱۹۳۳ ژانویه: چون دو قدره آب.<sup>۱۶</sup>
- ۱۹۳۴ ۲۱ اوت: پل الوار با نوش ازدواج می‌کند.
- ۱۹۳۵ دسامبر: گل سرخ همگان.<sup>۱۷</sup>
- ژانویه - فوریه: الار که از بیماری رنج می‌برد، در داوو<sup>۱۸</sup> اقامت می‌گزیند.

---

۱. ۱۰۳ *Proverbes mis au goût du jour*      ۲. Jacques Prévert  
 ۳. Yves Tanguy      ۴. Clarté      ۵. Capitale de la douleur  
 ۶. *Les Dessous d'une vie ou la pyramide Humaine*      ۷. Arosa  
 ۸. *L'Amour la poésie*      ۹. *Ralentir travaux*      ۱۰. René Char      ۱۱. Nusch  
 ۱۲. Maria Benz      ۱۲. *A Toute épreuve*      ۱۴. *L'immaculée conception*  
 ۱۵. *La Vie immédiate*      ۱۶. *Comme deux gouttes d'eau*  
 ۱۷. *La Rose publique*      ۱۸. Davos